

باسم‌هه تعالی

<p>آیه / حدیث</p> <p>پیامبر اکرم (ص) :</p> <p>اللَّهُ أَفْرَحَ بِتَوْبَةِ الْعَبْدِ مِنَ الْعَقِيمِ الْوَالِدِ وَ مِنَ الضَّالِّ الْوَاجِدِ .</p> <p>خداؤند از توبه بنده اش بیش از عقیمی که صاحب فرزند شود و گم کرده ای که گمشده اش را پیدا می کند خوشحال می شود. (مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۱۲۶)</p>	<p>مقام معظم رهبری (دامت برکاته) :</p> <p>قدم اول، طلب مغفرت کردن از خدای متعال و به خدا بازگشتن است. توبه، یعنی به سوی خدا برگردیم. هرجا که شما باشید، در هر حدی از کمال که باشید - حتی در حد امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام - باز به استغفار احتیاج داریدا خدای متعال به پیغمبرش می فرماید: «واستغفرا لذنبك» (۲۶/۱۰/۱۳۷۶)</p>
<p>جمله امام / رهبر / علماء</p> <p>احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها بییند و آنها را نقض کند. (احجوب الاستفتاءات، س ۶۴)</p>	<p>مسئله شرعی</p>
<p>داستان / حکایت / تمثیل / روایت</p> <p>هجرت از گناه</p> <p>فضیل بن عیاض یکی از دزادان معروف بود به طوری که مردم از دست او خواب راحت نداشتند.</p> <p>یک شب از دیوار خانه ای بالا می رود روی دیوار می نشینند تا به قصد ورود در منزل پایین بروند.</p> <p>اتفاقاً آن خانه از مرد عابد و زاهدی بود که شب زنده داری می کرد نماز شب می خواند. دعا می خواند اما در این لحظه به قرآن خواندن مشغول بود صدای حزین قرآن خواندن به گوش می رسید، ناگهان این آیه را تلاوت کرد: اللهم يأعن للذين آمنوا تَخَشَّعُ قلوبُهُمْ لذِكْرِ اللَّهِ آيَا وقت آن نرسیده که مدعايان ايمان قلبشان برای خدا نرم و آرام شود؟ یعنی تا کی قساوت قلب ، تا کی تجری عصیان ، تا کی پشت به خدا کردن ؟ آیا وقت رو برگرداندن از گناه و رو کردن به سوی خدا نرسیده است.</p> <p>فضیل بن عیاض همین که این آیه را روی دیوار شنید، انگار به خود او وحی شد، گویی مخاطب شخص او است . لذا همانجا گفت : خدایا چرا چرا و قتش رسیده است و همین الان هم موقع آن است .</p> <p>از دیوار پایین آمد و بعد از آن دزدی ، شراب ، قمار، و هرچه را که احیاناً به آن مبتلا بود کنار گذاشت . از همه هجرت کرد از تمام آن آسودگیها دوری گزید، تا حدی که برایش مقدور بود اموال مردم را به صاحبانش پس داد، حقوق الهی را ادا کرد و کوتاهی های گذشته را جبران نمود. تا بجایی که بعدها یکی از بزرگان گردید، نه فقط مرد با تقوایی شد بلکه مربی و معلمی نمونه برای دیگران گردید.</p> <p>پس او یک مهاجر است ، زیرا توانسته است از سیفات و گناهان دوری گزیند، با این منطق همه توبه کران دنیا مهاجرند. (گفتارهای معنوی ، صص ۲۲۸ ۲۲۶)</p>	<p>داستان / حکایت / تمثیل / روایت</p>
<p>نکته</p> <p>آیت الله بهجه(ره)</p> <p>تمام لذتها روحی است: و آن چه از لذات که در طیب [اعطر] و یا از راه نساء به صورت حلال تکویناً مطلوب است، بیش از آن و به مراتب بالاتر، در نماز است. (در محضر بهجه: ۳۹۲/۲)</p>	<p>شهمید محسن وزایی:</p> <p>از شهادت و اهمه‌ای نداریم، این منتهای آرزوی ماست. خدا گواه است هنگامیکه حرف از داوطلب برای شهادت به میان می آید بین برادران بر سر اجابت آن دعوا می افتد. ای عرف و ای معلمین اخلاق، که مشغول ریاضت کشیدن برای تزدیکی به درگاه خدا هستید. به جنبه‌ها باید تا بینید که چگونه برادران شما به آن درجه از قرب الهی رسیده‌اند ... خدا را شکر می کنم که نعمت زجر کشیدن در راهش را نصیبم نمود.</p> <p>(http://www.ayehayeentezar.com)</p>
<p>پیام شهید</p>	